

تصویرهای رنگین میانی

بالا، سمت چپ: ساختار تزئینی معروف به ال ترانسپارانت (شفاف) اثر نارسیسو لومبه در غلامگردش کلیسای جامع تولدو، اسپانیا، بین سالهای ۱۷۲۱ و ۱۷۳۲. این اثر همانند اوپرا دوریو، نمای کلیسای جامع سانتیاگو دو کومپوستلا، نمونه‌ای از افزوده‌های شدیداً تزئینی و بویای باروک به عمارتی با سبک متفاوت، در این مورد گوتیک، است. (رک. مقاله صفحه ۱۴).

پائین، سمت چپ: محراب اصلی و شبستان فوقانی کلیسای سن جان نیه موک (۱۷۳۳-۱۷۴۶)، مونیخ، آلمان فدرال، کار کوزماس دامیان آسام (۱۶۸۶-۱۷۳۹) و برادرش اگید کویرن آسام (۱۶۹۲-۱۷۵۰). (رک. مقاله صفحه ۴۲).

وسط: پیروزی سان ایگناتیوس (۱۶۸۵)، سقف نگاره‌ای اثر آندریو توتسو (۱۶۴۲-۱۷۰۹)، کنشیش یسوعی، در کلیسای سان ایگناتیوس در رم. پوتسو در این شاهکار واقع نمایی، پرفراز ساختار واقعی کلیسا، فضا معمارانه مجلل و چشم فریبی آفریده است که رو به افلاک دارد، به جایی که بنیانگذار فرقه یسوعی مورد استقبال قرار می‌گیرد. (رک. مقاله ۳۰).

بالا، سمت راست: واپسین دیدار با سان بوناونتورا (۱۶۲۹) اثر فرانسیسکو زورباران (۱۵۹۸-۱۶۶۴). آثار این نقاش اسپانیایی که سفارشات بسیاری از سوی فرقه‌های رهبانی دریافت کرد، از لحاظ متانت و احساس عمیق عرفانی‌شان، چشم‌گیر هستند. (رک. مقاله صفحه ۱۴).

پائین سمت راست: شیوه برخورد تاتری احساس توانمندی از حرکت را به این صعود (۱۷۱۸-۱۷۲۲) دمیده است. این اثر را اگید کورن آسام برای جایگاه همخوانان کلیسای روهر (در آلمان فدرال) ساخته است. کار برادران آسام نمایانگر نقطه اوج پیکره سازی و تزئین کاری باروک در اروپای مرکزی است. (رک. مقاله صفحه ۲۰).



میراث ملی باروک پرتغالی

نوشته خوزه - آگوستو فرانکا

خانه‌های اربابی و اشرافی مثل کاخ خاندان ماتئوس در ویلار نال، تصویر بالا، نشان دهنده ظرافت معماری این جهانی در پرتغال قرن هیجدهم است.

فیلیو جووارا معمار اهل پیمونته را به لیبون فرا خواند و از او خواست تا نقشه‌هایی برای یک کاخ سلطنتی و یک کلیسای بطریقی طرح‌ریزی کنند. پادشاه با احساس تنگ‌حوصلگی از اینکه تکمیل چنین بنایی به درازا خواهد کشید تصمیم گرفت به جای آن کاخی را توسعه دهد و تزئین کند که فیلیپ دوم اسپانیا (که پادشاه پرتغال هم بود) آن را پس از ۱۵۸۰ در سواحل تاگوس بنا کرده بود. کارلوس ماردل مجارستانی پیشنهاد کرد که مجموعه‌ای از آب‌نماهای پر عظمت و ظریف برای تزئین پایتخت ساخته شود. در این احوال، در ۱۷۴۷، ماتئوس ویچنته، یک معمار پرتغالی آموزش یافته در مافرا، کار

سبک باروک در پرتغال تا هنگامی که خوان پنجم (۱۷۰۶ - ۱۷۵۰)، پادشاه جوانی که خزاننش پس از گنجینه‌های تازه کشف شده برزیل بود، در پی تحکیم نمادین قدرت خود مصمم به ساختن صومعه - کاخ - کلیسای مافرا که برای ساختمانش از سال ۱۷۱۷ تمام منابع پادشاهی به کار افتاد، نشد ویژگی خاص خود را پیدا نکرد.

ج. ف. لودویگ (در پرتغال معروف به لودویچه)، معمار و آهنگری اهل سویایا که مدتی را در ایتالیا گذرانده بود، چندین نقشه برای مافرا کشید که هر کدام مجلل‌تر از قبلی و الهام‌یافته از کلیسای سان پیترو در رم و نیز معماری رومی‌وار کارلوفونتانا، معمار ایتالیایی، و مکتبش بود. این ساختمان پر عظمت که گفته شده است «عظیم‌تر از خود پادشاهی» است، بی‌تردید یکی از بهترین نمونه‌های آلمانی - ایتالیایی مجموعه بنای به اصطلاح صومعه - کاخ - کلیسا به شمار می‌آید.

درست دو سال پس از آغاز کار در مافرا، خوان پنجم،

تصویرهای رنگین راست

بالا: فضای داخلی کلیسای سومین فرقه سان فرانسیس، سالوادور، برزیل. این کلیسای متعلق به اوائل قرن هیجدهم با پیکره‌ها و گچ‌بریهای زرانسود شده‌اش نمونه بارزی از معماری برزیلی و پرتغالی است. (رک. مقاله صفحه ۳۹).

پائین، سمت چپ: «فرشته و تفنگ آرکبوس» (پرو). این شخصیت معمول در هنر باروک مناطق آند از یک نقاشی ناشناخته قرن هیجدهم متعلق به مکتب کوزکو است. (رک. مقاله صفحه ۳۶).

پائین سمت راست: کاشی لعابی رنگین یا آزولو از بلکان کلیسای زیارتی نوساسینیو زا دوس رمیدوس (۱۷۵۰ - ۱۷۶۰)، لامیگو، پرتغال. آزولو یک عنصر اساسی تزئینی در معماری پرتغالی است و در اسپانیا و برزیل نیز فراوان دیده می‌شود.



سمت چپ، ایوان ستوندار کاخ - صومعه مافرا، عصاره سبک باروک پرتغالی است که در قرن هجدهم طی دوران فرمانروایی خوان پنجم شکوفا شد. پادشاهی که مافرا را در نزدیکی لیسبون ساخت تا هماهنگ با عمارت اسکوریال فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا باشد (رک. عکس صفحه ۱۶). بالا، نمای کلیسای سانتا کازادا میزریکوردیا در ویسئو. کلیساهایی از این نوع در برزیل، که تا اوایل قرن نوزدهم مستعمره پرتغال بود، به شکل‌های مختلف مورد تقلید قرار گرفت.

پرتغالی اهمیت اساسی داشت. طلاکاری هماهنگ با آبی ساده زمینه کاشی‌های لعابی که رواق‌ها، پله‌ها، اتاق‌ها و حتی طاق‌بندی‌های سقف کلیساها را می‌پوشاند، جای تصویرها و دیوارکوبها را گرفت. موضوعهای مذهبی و صحنه‌های زندگی روزانه‌ای که اینها نشان می‌دادند، نسخه‌برداری از کسندگی‌های وارداتی بود و در چارچوب‌های نقاشی شده‌ای قرار می‌گرفت که تقلیدهایی چشم‌فریب از گچ‌ریزهای معمارانه نفیس بود. باروک پرتغالی از این رو، از حجارهای با عظمت مافرا گرفته تا کسندگی‌های چوبی زرانسود و هزاران کاشی‌های رنگین که به افتخار سلطنت خوان پنجم ساخته شد، همه بزرگداشتی بود، هم از قداست مذهبی و هم احساس انگیزی عاطفی.

خوزه - آگوستو فرانکا، تاریخ‌نگار و منتقد هنری پرتغال، استاد دانشگاه نوین لیسبون و دانشگاه پاریس سه است، او رئیس اتحادیه بین‌المللی منتقدان هنری و عضو کمیته بین‌المللی تاریخ هنر و مؤلف *Une Ville des lumières la Lisbonne de pombal* چاپ سال ۱۹۶۵ است.

بعد شاگردش فیگوتو دودوسییکاس) پر تأثیرترین معمار پورتو بود، جایی که در ۱۷۲۵ در آن مقیم شد. کلیسای کلریگوس (۱۷۳۱ - ۱۷۴۹) که برج شکوهمندش تبدیل به مظهر شهر شد، و عمارت‌های اعیانی فریکسو و سائو - ژوا - نوا، از بناهایی است که سبک باروک متأخر این بخش از کشور را به خوبی نشان می‌دهد، سبکی که با نشانه‌های کمابیش روکوکوارش یادآور سبک اروپایی مرکزی است.

در اواسط همین قرن در براخا، سه چندان دور از پورتو، معماری به نام ا. سووارس سه بنای با عظمت مهم ساخت - کلیسای فالپرا، تالار شهر، و عمارت اعیانی رایو، که نمای آن پیچیده‌ترین نوع معماری شهری پرتغال آن دوران است. به راستی، خانه‌های شهرستانی و اربابی (سولا رها) عرصه مساعدی بود برای پیکره‌سازی اواخر عصر باروک. در خانه دودمان‌های لوبسوماکادو (در کویمارس)، مالریو (وینادو کاستلو) و ماتوس (ویلار آل)، شکل‌های هنری گوناگون سالهای بین ۱۷۳۰ تا ۱۷۷۰ بهترین موقعیت بیانی خود را یافت.

سبک باروک پرتغالی در آژورس، مادرا، هند، ماکائو و به ویژه در برزیل، ریشه دواند و اثر خود را بر جای گذاشت.

هر چند که نقاشی و پیکره‌سازی پرتغالی این دوره اهمیت درجه دوم دارد و به رغم ورود نقاشی‌ها و مجسمه‌های بهترین هنرمندان رومی برای تزئین مافرا، دو آفرینش تزئینی به سبک باروک پرتغالی اصالت می‌بخشد - آژولخوس (کاشی لعابی رنگین) و طلاکاری (چوب کسندگی شده زرانسود).

طلاکاری محرکها که تا دیوارها دامنه می‌یافت، شیوه تزئین دلخواهی را برای کلیسای «تمام طلا» فراهم آورد، راه‌حلی هم عملی و هم پر مسعنا که در سبک باروک

ساختن یک اقامتگاه خارج از شهر را برای برادر جوانتر شاه در کولنز نزدیک لیسبون آغاز کرد. نمای این بنا که در آن رد پاهایی از سبک روکوکو به چشم می‌خورد، دومین نمونه مهم سبک باروک در جنوب این کشور است. خوان پنجم کمی پیش از مرگش دستور بنای عالی نمازخانه حضرت یحیی را داد که به توسط لویچی ونوتلی به سبکی طراحی شد که نویددهنده کلاسیک‌گرایی احیایی بود که از رم الهام یافته بود تا در کلیسای یسوعی سان‌روچ به کمال برسد. این نمازخانه به مانند کلیسای بطریق، موزه واقعی شد از گوهر کارها و لوح‌بندی‌های مصنوع کارگاههای رمی.

خوان پنجم ذوق خود را از شهرهای رم و پاریس تغذیه می‌کرد و سفارشهای خود را به رم و پاریس، این «شهر جاودانی» می‌داد که نیازهای مذهبی‌اش را برآورده می‌کرد، همانگونه که پایتخت لویی شانزدهم (پاریس) به خواستهای دنیایی‌اش می‌پرداخت. دو فرانسوی، یکی توماس ژرمن نقره‌گر برطمطراق و پی‌یر زان‌ساربت مجموع‌دار و محقق بزرگ، برآوردندگان نیازمندی‌های تاج و تخت پرتغال بودند. ماریت برای شاه مجموعه عظیمی از کسندگی‌ها فراهم آورد که متأسفانه در زلزله سال ۱۷۵۵ از دست رفت، زلزله‌ای که پایتخت خوان پنجم و تمام ذخائرش را، پنج سال پس از مرگش، نابود کرد. شهری که بی‌درنگ پس از این فاجعه برپا شد به شکرانه سیاستهای «روشنگرانه» ی مارکیز اهل پومبال، بیشتر بازتاب دهنده ذوق خردگرایانه و بورژوازی مارکیز بود تا باروک نسل قبل.

اما در شمال این کشور، جایی که مامن نجیب‌زادگان زمین‌دار و به دور از دربار بود، شکل متفاوتی از باروک تحول یافت که از ویژگیهای شکل آفرین استثنایی گرانیت بهره گرفت. معمار اهل توسکان یعنی نیکولو تاسونی (و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال ملی علوم انسانی